

سال‌های پر آشوب آذربایجان

نمای به تحولات مهم آذربایجان

(از نهضت آذربایجان تا فرقه‌ی دموکرات آذربایجان)

تحقیق و تألیف:

فرامرز کریم زاده کلیدر

مدرس تاریخ، عضو هیأت علمی دانشگاه فرنگیان

سرشناسه	کریمزاده کلیر، فرامرز، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور	سالهای پر آشوب آذربایجان: (نگاهی به تحولات مهم آذربایجان از نهضت آزادیستان تا فرقه‌ی دموکرات آذربایجان) // تحقیق و تالیف فرامرز کریمزاده کلیر.
مشخصات نشر	تبریز: ییلاق قلم، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۲۶۸ ص.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۶۲۸۶-۳۳-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیپا	
عنوان دیگر	(نگاهی به تحولات مهم آذربایجان از نهضت آزادیستان تا فرقه‌ی دموکرات آذربایجان)
موضوع	آذربایجان -- تاریخ -- ۱۲۹۸ - ۱۳۲۶
موضوع	Azerbaijan (Iran) -- History -- 1919 - 1947
موضوع	جنبشها و قیامها -- ایران -- آذربایجان -- تاریخ
موضوع	Insurgency -- Iran -- Azerbaijan -- History
موضوع	ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰ -- جنبشها و قیامها
موضوع	Iran -- History -- Pahlavi, 1925 - 1941 -- *Protest movements
رده‌بندی کنگره	DSR۲۰۰۱/ز۴۵ک۴ ۱۳۹۷
رده‌بندی دیویی	۹۵۵/۳
شماره کتاب‌شناسی سی	۵۴۳۹/۱۹



سال‌های پر آشوب آذربایجان

تحقیق و تالیف: فرامرز کریمزاده کلیر

ناشر: انتشارات ییلاق قلم ● چاپ و صحافی امین

چاپ اول ۱۳۹۷ ● ۲۶۸ صفحه ● قطع وزیری ● ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۸۶-۳۳-۶

مرکز فروش: تبریز - اول خیابان طالقانی، نشر اختر

تلفن: ۳۵۵۵۵۳۹۳ - ۰۴۱

قیمت: ۳۸۰۰۰ تومان

۱	پیش‌گفتار.....
۷	مقدمه.....
۷	آذربایجان در دوره‌ی تاریخی قبل از اسلام.....
۸	وجه تسمیه آذربایجان.....
۹	آذربایجان در دوره‌ی تاریخی بعد از اسلام.....
۱۱	جایگاه آذربایجان در تاریخ معاصر ایران.....
۱۵	منابع و یادداشت‌ها.....

فصل اول:

اوضاع عمومی ایران قبل از کودتای «سوم اسفند ۱۲۹۹ ش»^۱

۱۷	تأثیرات جنگ جهانی اول بر ایران.....
۲۱	قرارداد ۱۹۱۹ میلادی.....
۲۳	مخالفت شیخ محمد خیابانی با قرارداد ۱۹۱۹ میلادی و پی‌آمد آن.....
۲۴	اهمیت شناخت قیام شیخ محمد خیابانی.....
۲۵	زندگینامه شیخ محمد خیابانی.....
۲۷	آغاز قیام خیابانی در تبریز.....
۳۰	خیابانی و حزب دموکرات.....
۳۲	علت و انگیزه قیام شیخ محمد خیابانی.....
۳۶	علت تغییر نام آذربایجان.....
۳۷	رابطه قیام شیخ محمد خیابانی با سایر قیام‌ها.....
۳۸	سرانجام شیخ محمد خیابانی.....
۴۱	منابع و یادداشت‌های فصل اول.....

فصل دوم:

آذربایجان بعد از کوتای سوم اسفند «۱۲۹۹ ش»

۴۵	مقدمات کودتای سوم اسفند.....
۴۷	کودتای سوم اسفند.....
۴۹	مخالفت تبریز با کابینه سیام.....
۵۱	قیام ابوالقاسم لاهوتی.....
۵۳	قیام لاهوتی از زبان شاهد عینی.....

۶۰	نظر مخبرالسلطنه هدایت در مورد قیام لاهوتی.....
۶۴	اوضاع آذربایجان بعد از قیام لاهوتی.....
۶۵	آغاز حکومت نظامیان بر آذربایجان.....
۶۶	نقش امیرارشد در تاریخ معاصر ایران.....
۶۷	زندگینامه امیرارشد.....
۶۸	مقابله امیرارشد با سیمیتقو.....
۷۰	سابقه دشمنی امیرارشد و سیمیتقو.....
۷۱	تلگراف وثوق الدوله (رئیس الوزراء) به امیرارشد.....
۷۱	تلگراف تسلیت قوام السلطنه (رئیس الوزراء) به امیرارشد.....
۷۲	تلگراف تسلیت وزیر جنگ (رضاخان) به مناسبت فوت امیرارشد.....
۷۳	شورش اسبیل آقا (سیمیتقو) و پی آمدهای آن.....
۷۷	فتح قلعه چهری و فرار سیمیتقو به ترکیه.....
۸۲	تمرکز قوای درسی در سرفه انه.....
۸۳	وضعیت نیروی طرفین.....
۸۶	شروع جنگ سرنوشت ساز نظامی.....
۹۱	سرانجام سیمیتقو.....
۹۴	منابع و یادداشت های فصل دوم.....

فصل سوم:

آذربایجان در زمان «وزارت جنگ و صراعتظمی» رضاخان پهلوی

۹۹	انتقاد نماینده تبریز از وزیر جنگ و پی آمد آن.....
۱۰۵	استعفای سردار سپه (رضاخان).....
۱۰۸	مخالفت رضاخان با اعزام ولیعهد «احمدشاه» به تبریز.....
۱۱۰	سیاست تخته قاپو کردن عشایر در آذربایجان.....
۱۱۲	عملکرد امیر عبدالله طهماسبی در آذربایجان.....
۱۱۴	علت سفر رضاخان در سال (۱۳۰۴ ش) به آذربایجان.....
۱۱۶	سرانجام اقبال السلطنه ماکونی خان مقتدر آذربایجان.....
۱۱۸	وضعیت خان های ماکو.....
۱۲۴	موضع آذربایجان در نغمه جمهوری خواهی و تغییر سلطنت قاجاریه.....
۱۲۵	تلاش جهت خلع قاجاریه در آذربایجان.....
۱۲۶	تشکیل هیأت متحدین آذربایجان.....
۱۳۱	طرح ماده واحده تغییر سلطنت در مجلس شورای ملی.....
۱۳۵	منابع و یادداشت های فصل سوم.....

فصل چهارم: آذربایجان در عصر رضاشاه پهلوی

۱۳۷	نقش لشکر شمال غرب در تاج گذاری رضاشاه.....
۱۳۹	شورش پادگان سلماس.....
۱۴۲	واحد های ارتشی مستقر در آذربایجان در زمان پهلوی اول.....
۱۴۴	مسافرت رضاشاه به ارومیه (۱۳۰۷ ش).....
۱۴۵	آذربایجان و تقسیمات کشوری.....
۱۴۷	تقسیمات آذربایجان در زمان رضاشاه.....
۱۴۸	سفر رضاشاه به ترکیه (از طریق آذربایجان).....
۱۵۱	واگذاری ارتفاعات آرارات به ترکیه.....
۱۵۲	سیاست نوسازی فرهنگی در بخش پوشاک.....
۱۵۵	مخالفت با کشتن حجاب.....
۱۵۷	اسناد مربوط به کشف حجاب در آذربایجان.....
۱۶۷	اعتراض مردم مراغه در آذر ۱۳۱۱ ش.....
۱۶۸	نگاه کلی به آذربایجان در دوره رضاشاه.....
۱۷۲	جمعیت تبریز در سال های مورد بحث.....
۱۷۵	منابع و یادداشت های فصل چهارم.....

فصل پنجم:

جنگ جهانی دوم و پی آمدهای آن در آذربایجان

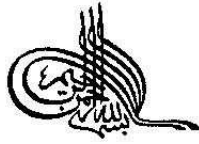
۱۷۷	ایران در جنگ جهانی دوم.....
۱۷۹	تجاوز نیروهای انگلستان و شوروی به خاک ایران.....
۱۸۰	آذربایجان، بلادیده ی جنگ دوم جهانی.....
۱۸۴	عملکرد روس ها در آذربایجان.....
۱۸۷	تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان.....
۱۹۱	موضع حزب توده نسبت به فرقه دموکرات.....
۱۹۲	مقدمات تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان.....
۱۹۳	ارتباط امتیاز نفت شمال با حوادث آذربایجان.....
۱۹۵	پیدایش موضوع «نفت شمال» در تاریخ ایران.....
۱۹۵	منطقه سمنان (کویر خوریان).....
۱۹۶	منطقه مازندران.....
۲۰۰	مسافرت کافتارادزه به تهران.....

۲۰۳	 انگیزه دولت شوروی برای کسب نفت شمال
۲۰۴	 عوامل داخلی موفقیت تشکیل فرقه دموکرات
۲۰۵	 زندگینامه سیاسی پیشه‌وری
۲۰۸	 عملکرد فرقه دموکرات در آذربایجان
۲۱۲	 انتشار روزنامه
۲۱۳	 اعزام جوانان آذربایجان به قفقاز
۲۱۴	 فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی
۲۱۷	 منابع و یادداشت‌های فصل پنجم

فصل ششم:

سقوط دولت خودخوانده آذربایجان

۲۲۱	 برخورد دولت مرکزی با حران آذربایجان
۲۲۳	 برخورد دولت قوام به حران آذربایجان
۲۲۵	 قرارداد نفتی ایران و شوروی
۲۲۷	 ورود پیشه‌وری به تهران و انجام مذاکرات
۲۲۸	 بررسی پیشنهادات فرقه دموکرات آذربایجان
۲۳۱	 ادامه مذاکرات در تبریز
۲۳۵	 مذاکرات محرمانه در مورد تعیین تکلیف تصدیان فرقه دموکرات
۲۳۷	 ادامه بازی‌های ماهرانه قوام
۲۳۹	 ورود ارتش ایران به آذربایجان و فرجام فرقه دموکرات
۲۴۰	 رد قرارداد نفتی ایران و شوروی
۲۴۱	 نقش آمریکا در خروج شوروی از آذربایجان
۲۴۲	 علت شکست قطعی فرقه دموکرات آذربایجان
۲۴۳	 آذربایجان بعد از ۲۵ آذر ۱۳۲۵ ش
۲۴۹	 منابع و یادداشت‌های فصل ششم
۲۵۲	 کتابنامه



«ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ»

سوره قلم آیه ۱

قسم به قلم و آنچه که می‌نویسند.

پیش‌گفتار:

کسب اطلاع از اوضاع اقتصادی، فرهنگی و تحولات تاریخی هر گوشه از میهن عزیزمان و آشنایی با سرگذشت، رفداکاری‌های مردان و زنان بزرگی که با مقاومت و ایستادگی دلاورانه در مقابل دشمنان و شرطنت‌های استعمارگران خارجی و ایادی داخلی آنان، سر به دار دادند ولی تن به ذلت ندادند، برای همه‌ی ایرانیان پاک سرشت، کمال ضرورت را دارد.

باید جوانان مسلمان ایران زمین علاوه بر سعی و تلاش شبانه‌روزی برای رسیدن به قله‌های رفیع پیشرفت و ترقی از حیث صنعتی و تکنولوژی از حوادث جای‌جای این سرزمین قهرمان‌پرور، مطلع شوند و بدانند که نیاکان آنان برین لحظه، حراست از مرزهای سیاسی و فرهنگی این دیار دلاورخیز، چه زحماتی کشیده‌اند.

اگر ما گذشته را چراغی فرا راه آینده خود بدانیم، آن وقت به اهمیت خارق‌العاده‌ی تاریخ و تأثیرات شگرف آن برای ساختن آینده‌ای بهتر پی خواهیم برد.

اصولاً در میان علوم و معارف بشری، همواره خودکامگان و خودمحوران سلطه‌گر در مورد تاریخ اصرار و سماجتی خاص داشته‌اند که به جز در سایه‌ی همایونی به آنان اجازه رشد و نمو ندهند! تاریخ‌نگاری در تصور این اشخاص، گزارش و تحلیل وقایع تاریخی مطابق میل‌شان است و نه آنگونه که اقتضای واقعیت‌هاست.

براساس این نظریه، تاریخ نه علم بر واقعیت‌هاست و نه تحلیل علمی چگونگی وقوع آنها، بلکه تاریخ، هنری است که وظیفه‌اش تحریف واقعیت‌ها و تحمیل عقاید سلطه‌گران بر تحلیل‌های تاریخی است. بر این اساس، اگر تاریخ را از میان خانواده‌های علوم جدا کرده و جزو شاخه‌های هنر محسوب بداریم، پسندیده‌تر خواهد بود.

اصولاً فلسفه تاریخ‌نگاری درباری، کشیدن حجاب بر روی حقایق مسلم تاریخ است و ثمره این نوع تاریخ‌نوشتن، چیزی جز سرگرمی نمی‌تواند باشد. فضای رشد تاریخ‌نگاری درباری، فضای سکوت، وحشت و اختناق بوده و مورخین این قماش در فکر چاپلوسی، قهرمان‌پروری و بت‌سازی هستند. و قلم آنان با سرنیزه‌ی زورمندان همسوئی نشان داده و هر دو مکمل و ترجیح‌گسته اقدامات غیرانسانی یکدیگر می‌باشند. زیرا یکی با شمشیرش سرها را نشانه می‌رود و دیگری «تیشه‌ها را» به عبارت بهتر، نویسندگان غیرمتعهد و درباری جاده‌صاف‌کن نیزه‌داران محسوب می‌شوند.

اما در مقابل آنان، تاریخ‌نگاران هنرمندی قرار دارند که وظیفه‌شان اداء رسالت و پوئیدن در راستای حقیقت می‌باشد. آنان سعی دارند - حجاب از روی حقایق بردارند و آگاهی‌بخش و بیدارگر مردمان تشنه حقایق دیارشان باشند. مخالف آنان نیروهای بالنده و پیشتاز جوامع انسانی است و فضای رشد آنان، فضای فریاد آزادی و انقلاب است. در ادبیات آنان، صداقت، صراحت و انتقاد موج می‌زند و شیوه تحلیل و انتخاب در کارهای آنان رایج است. اصولاً تاریخ‌نگاران مردمی، آزادگان جوشکن و سازش‌ناپذیری هستند که در فکر درس‌آموزی و عبرت‌گیری از وقایع گذشته می‌باشند. در نظر آنان، تاریخ صرفاً ذکر وقایع گذشته نیست، بلکه تاریخ را چراغی فروزان برای آیندگان می‌دانند که باید کمال استفاده را از آن برد و آینده‌ی جوامع بشری را روشن‌تر نمود.

درست است که انسان بیش از یکبار به دنیا نمی‌آید، ولی به قول مولا علی (ع) می‌توان بوسیله تفکر در تاریخ چنان از گذشته اطلاع حاصل کرد و از تجارب سودمند آن استفاده نمود که انگار انسان مدت طولانی عمر کرده و شاهد آن تحولات اجتماعی زیادی بوده است.

با این وجود امروزه برای ما مسلم است که درستی مطالبی که به عنوان تاریخ مکتوب در دست ما است، از خیلی جهات مورد تردید می‌باشد. زیرا چنان که می‌دانیم، اکثر کتب تاریخی را تاریخ‌نگاران درباری و رسمی به یادگار گذاشته‌اند، که مهمترین هنر آنان، آرایش چهره جباران و زورگویان تاریخ بوده است و در لابلای این آثار، تمجید و ستایش زورگویان و تحریف اهداف حق‌خواهان و عدالت‌طلبان مشهود است. وقتی انسان به منابع بی‌طرف دست می‌یابد، آن وقت دچار حیرت می‌شود که فاصله بین نوشته‌ها و واقعیت‌ها چرا باید اینقدر عمیق باشد.

چهره شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی معاصر ایران همچون سیدجمال‌الدین، مدرس، شیخ محمد خیابانی، باقرخان، ستارخان، نواب صفوی، آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق در آثار بعضی مورخین، ناصراً تماماً مخدوش شده و با واقعیات فاصله خیلی زیادی پیدا کرده است. از طرف دیگر، چهره‌های تاریخی از سلطنت‌ها، دوله‌ها و جباران به قدری آرایش شده ارایه گردیده است که در صورت مکتوب، نام‌بدستان متعهد، نسل حاضر و نسل‌های آینده دچار سردرگمی شدیدی خواهند شد. حتی بهره‌ها را اشتباه خواهند گرفت، و در نهایت خائن را خادم و خادم را خائن قلمداد خواهند نمود.

با این وصف، تکلیف ما چیست؟ دست روی دست گذاشتن و همگام شدن با جو حاکم بوجود آمده توسط مورخانی که حرف‌های اشتباهشان بیشتر از حرف‌های درستشان است و یا با دل به دریا زدن و با نگرستن انتقادی به منابع موجود، سعی کنیم که به حقایق دست یابیم و آن را برای نسل‌های بعدی به یادگار بگذاریم.

با ذکر این مقدمه مشکل ما در تدوین این نوشتار آشکار می‌گردد. ما بعضی مواقع مجبور به مراجعه به منابعی هستیم که اعتماد چندانی به آن نداریم، ولی از طرف دیگر چاره‌ی دیگری هم نیست و منبع دیگری هم در مورد آن موضوع در دست نداریم. ولی چشم بسته به آن رجوع نکرده، بلکه با محک زدن آن به آثاری که از خلوص بیشتری برخوردارند از آن بهره برده‌ایم.

کتاب حاضر بررسی اجمالی از اوضاع آذربایجان در بین سال‌های (۱۲۹۸ ش تا ۱۳۲۶

ش) می‌باشد. و سعی گردیده که حوادث رخ داد ایران در این مقطع زمانی که به نوعی به آذربایجان نیز مرتبط می‌باشد، مورد بررسی قرار گیرد.

بدیهی است که در این نوشتار فقط جستارهایی از تاریخ آذربایجان مدنظر بوده و تنها نگاهی به حوادث مهم این دیار خواهیم افکند و بررسی تمام رخداد‌های این مقطع تاریخی از حوصله این کتاب خارج است.

کتاب حاضر به هفت قسمت تقسیم می‌شود: یک مقدمه و شش فصل. در مقدمه این کتاب، بحث کلی در مورد آذربایجان در سیر روزگاران، از سال‌های دور تا روی کار آمدن پهلوی آمده و عقاید علمای علم تاریخ در خصوص محدوده و وجه تسمیه آذربایجان و علت استیلا یافتن آن در مقطع تاریخ معاصر ایران، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

در فصل اول، به بررسی اوضاع آذربایجان در سال‌های قبل از کودتای سوم اسفند «۱۲۹۹ ش» پرداخته شده و میثم شیخ‌نعمه مد‌خیابانی به عنوان شاخصی برای شناخت بهتر اوضاع سیاسی آذربایجات مقارن کودتای رضاخانی، مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است.

مقدمات کودتای سوم اسفند و نقش نیروهای خارجی، در این امر و بررسی شخصیت سیدضیاءالدین و همچنین موضع‌گیری آذربایجان در قبال این کودتا از مطالب مهم فصل دوم می‌باشد. در این فصل قیام‌ها و شورش‌هایی رخ داد در استان‌های نخستین کودتا در آذربایجان مورد بررسی و تحلیل واقع شده است. از جمله می‌توان به شورش لاهوتی در تبریز و اسماعیل آقا در سلماس اشاره کرد. همچنین با توجه به نقش مهم امیرارشد در این جریانات، زندگی وی هم به صورت اجمال مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل سوم، به وضعیت آذربایجان، مقارن وزارت جنگ و صدارت اعظمی رضاخان پرداخته شده و سیاست‌های اعمال‌شده توسط رضاخان در این منطقه مورد نقد قرار گرفته است. همچنین موضع‌گیری قاطع نماینده تبریز در مجلس بر علیه رضاخان که منجر به استعفای وی شد از مطالب مهم این فصل محسوب می‌شود.

قسمت کتاب‌شناسی و منابع و مآخذ مورد استفاده نیز در پی فصل ششم آمده است. موضع‌گیری آذربایجان در قبال نغمه جمهوریت‌خواهی رضاخانی و تغییر سلطنت از مطالب عمده فصل چهارم می‌باشد. همچنین در این فصل وضعیت آذربایجان مقارن سلطنت رضاشاه و چگونگی مسافرت وی به ترکیه و پی‌آمد آن مورد توجه و تحلیل واقع شده است.

در فصل پنجم این کتاب به چگونگی وقوع جنگ جهانی دوم و کشیده شدن آن به ایران و آذربایجان و عملکرد روس‌ها در آن دوران در آذربایجان پرداخته شده است. تشکیل فرقه دموکرات و انگیزه روس‌ها از این کار و نقش امتیاز نفت شمال در بازی‌های سیاسی روس‌ها در ایران از مطالب مهم این فصل می‌باشد.

و بالاخره در فصل ششم، عملکرد فرقه دموکرات در آذربایجان و اقدامات دولت مرکزی ایران برای حل این مسأله و بازی ماهرانه قوام برای حل این بحران مورد بررسی قرار گرفته و از تلاش‌های بین‌المللی برای مجبور ساختن روس‌ها جهت تخلیه آذربایجان سخن رفته است.

سقوط دولت خودخوانده پیشه‌وری و پی‌آمد آن از مسایل مهم و قابل ذکر فصل آخرین این کتاب می‌باشد.

در پایان لازم می‌دانم، سپاس خود را نثار دوست و اسنادانی کنم که در انتخاب سرفصل‌ها و تهیه منابع و مدارک مورد نیاز و با راهنمایی‌های خرد بر اینجانب منت گذاشتند و همچنین بر عزیزانی که با گفتن خاطرات خود از تاریخ آذربایجان، بر بضاعت این تحقیق افزودند، سپاس و تشکر خود را ابراز دارم.

همچنین از مسئولین محترم وقت مرکز تربیت معلم شهید رجایی تبریز، بخصوص برادر عزیزم مرحوم آقای جوانکار کتابدار محترم مرکز که با گشاده‌رویی و سعه‌صدر، زحمات دائمی اینجانب را به جان خریده و با در اختیار گذاشتن منابع دست‌اول، امکان این تحقیق را مهیا ساختند، صمیمانه تشکر نموده و از خدای سبحان شادی روح آن مرحوم را مسئلت دارم.

بدیهی است که بدون راهنمایی و ارشادات استاد ارجمند، جناب آقای دکتر رضا شعبانی که با حوصله و سعه صدر راهنما و راهبر اینجانب بوده‌اند، امکان عملی شدن این تحقیق ممکن نبود. برای ایشان و همچنین جناب آقایان دکتر نقیب‌زاده و دکتر رحیم رئیس‌نیا که مشوق اینجانب بوده‌اند، از خدای متعال آرزوی توفیق در تمام مراحل زندگی‌شان را دارم.

ضمناً سپاس و تشکر خود را نسبت به دکتر بهروز بامدادی و دکتر جاوید اصغرپور غفاری که زحمت ویراستاری ادبی این کتاب را متقبل شدند ابراز داشته و توفیق روزافزون آنها را از خداوند متعال آرزو مندم.

در پایان اما لازم، اثر حاضر با تمام کاستی‌ها و کمبودهایی که دارد، بتواند روشنگر تاریخ یک مقطع از یک گره‌ی سرزمین شهیدان و مهد دلیران، ایران اسلامی باشد.